

تنبيه بدنى كودكان در آموزه هاى فقهى،

قوانين داخلى و اسناد بين المللى

توحيد غلامى تازه قلعه^۱

دكتر جمال بيگى^۲

چكیده

تنبيه بدنى كودكان به عنوان پديده‌اى تاريخى كه اشكال گوناگون آن از ديرباز درتمامى جوامع و فرهنگ هاى مختلف وجود داشته، متأسفانه هنوز هم جلوه هاى از آن در برخى جوامع از جمله برخى از مناطق كشور ما امرى رايج و متداول است. برخى از منابع روايى و قانونى با تفكيك ميان تنبيه بدنى كودكان موضوعى را اتخاذ مى نمايند كه در آن برخى از اقسام تنبيه بدنى كودكان تجويز گردیده و برخى تلاش کرده‌اند تا ممنوعيت تنبيه كودكان را به عنوان پديده‌ى ضدحقوق بشرى زيرسئوال برند و آن را به طوركلى يا جزئى انكار نمايند. اين درحالى است كه در نظام بين المللى حقوق بشر مدتهاست كه تنبيه بدنى كودكان تحت عناوينى نظير نقض حقوق كودك، خشونت عليه كودكان و نقض حقوق بشرموع و محكوم مى‌شود. در اين مقاله سعى شده است پس از تبين اجمالى مفاهيم كودك آزارى جسمى و تنبيه بدنى، به جايگاه اين موضوع درآموزه‌هاى روايى، قانونى و اسناد بين المللى پرداخته شود تا باشناسايى حدود و ثغور ضرورت و شرايط تنبيه بدنى كودكان دراستاى پيشگيرى ازآثار وپيامدهاى منفى آن، راهبردهاى تربيتى را جايگزين آن نماييم. چراكه با اتخاذ روش‌هاى جايگزين تنبيه بدنى مى‌توان رشد و بالندگى شخصيتى كودك را درجامعه تضمين نمود.

كليدواژه: كودك، تنبيه بدنى، راهبردهاى تربيتى، آموزه‌هاى روايى؛ قانونى و اسناد بين المللى.

۱-كارشناس ارشد حقوق بين الملل دانشگاه آزاد اسلامى واحد مراغه

۲ - عضوهايات علمى دانشگاه آزاد اسلامى واحد مراغه

مقدمه

کودکان زیباترین شکوفه‌های هستی‌اند که خداوند متعال به انسان‌ها مرحمت می‌کند، اما امروزه یکی از بزرگ‌ترین معضل‌های جوامع انسانی ناسپاسی در برابر این نعمت بی‌منت الهی است. چراکه کودک آزاری از جرایمی است که قلب هر انسانی را می‌آزارد! متأسفانه گاه بی توجهی جوامع منجر به جنایاتی علیه کودکان معصوم و بی پناه می‌شود که عمق وجود شنوندگان را آتش می‌زند. البته عوامل متعددی دست به دست هم داده‌اند تا ما روز به روز شاهد افزایش جلوه‌هایی از کودک آزادی در برخی از کشورها از جمله ایران باشیم. آمار تنبیه بدنی کودکان هشداردهنده است. طبق آمارهای که هر ساله ارائه میشود، صدها هزار کودک توسط والدین یا خویشاوندان نزدیک، به شدت مورد تنبیه قرار گرفته و حتی هزاران نفر از آنان جان خود را بر اثر وخامت و شدت جراحات وارده از دست میدهند و آن تعدادی هم که زنده می‌مانند و پس از مدتی از نظر جسمی بهبود می‌یابند، ضربه‌های شدید روحی و روانی می‌بینند. (شمیم، تنبیه بدنی و سوء رفتار با کودکان) به هر حال کمتر خانواده و مدرسه ای می‌توان پیدا کرد که برای بر کرسی نشاندن مقاصد خویش و حکومت بر کودکان و بهره‌کشی از آنان، فرمول آزار و ضرب و شتم را مورد استفاده قرار ندهند. (بهشتی، اسلام و حقوق کودک؛ پژوهشی درباره حقوق طفل از دیدگاه اسلام و اعلامیه حقوق کودک، ص ۱۹۰) از این رو ضروری است تا به بررسی و تحقیق بیشتری پیرامون این پدیده شوم پرداخته شود. در این نوشته، مادرصد بررسی منابع فقهی و حقوقی مرتبط با تنبیه بدنی کودکان هستیم با این امید که گامی در جهت التیام درد کودکانی باشد که جز گریه راه دفاعی ندارند.

در حقوق اسلام با توجه به این که حیات انسان ادامه دارد و دنیا مقصد نمی‌باشد، حقوق جسمی، روحی و معنوی انسان به صورت مبسوط طرح و بحث شده است و از جمله مباحث آن حقوق کودک درآموزه‌های فقهی یعنی جبهه‌گیری قرآن و ائمه (ع) در مورد حقوق جسمی، روحی و فکری کودک می‌باشد. وانگهی، با تتبع در منابع مختلف روایی و حتی قانونی قدر متیقن این که تنبیه بدنی کودکان با چالش اساسی مواجه بوده که در مباحث آتی پس از تبیین اجمالی مفاهیم کودک آزاری جسمی و تنبیه بدنی، حدود و ثغور نقض این حق بنیادین کودکان را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

۱- مفاهیم کودک، کودک آزاری جسمی و تنبیه بدنی

برای تبیین بهتر جایگاه تنبیه بدنی کودکان در آموزه‌های روایی، قانونی و اسناد بین‌المللی و تعیین ضرورت و شرایط پذیرش استثنایی آن، اشاره‌ی مختصری به مفاهیم کودک، کودک آزاری جسمی و تنبیه بدنی می‌نماییم.

۱-۱-کودک

تبصره ی آماده ی ۱۲۱۰ اصلاحی مصوب ۱۳۶۱/۱۰/۸ قانون مدنی، تمایز کودکان با اشخاص بالغ را مطرح نموده است. به این صورت که با الهام از فقه امامیه بدون آن که اشاره ای به انتهای صغیر کودکان نموده باشد، صرفاً سن بلوغ را که در واقع ملاک مکلف شدن اشخاص به اعمال عبادی بوده، به اعمال حقوقی نیز تسری داده است. البته ملاک بلوغ در اعمال مالی افراد به رشد آن ها نیز موکول گردیده است. بدین ترتیب قانون مدنی به تبعیت از فقه امامیه به جای استعمال واژه ی کودک برای اشخاص نابالغ از کلمه ی صغیر استفاده نموده که بهتر است در بازنگری های بعدی این قانون، متناسب با معادل فارسی آن استعمال شود تا برای افراد عامه ی جامعه نیز قابلیت فهم راحتی داشته باشد. در این میان با توجه به آزادی ادیان و مذاهب در ایران و با توجه به تشتت آراء فقهای امامیه و به ویژه عامه در خصوص سن بلوغ، تعیین سن ۱۵ سال تمام قمری برای پسران و ۹ سال تمام قمری برای دختران بر اساس نظر مشهور فقهای امامیه بارویکردهای علمی و عینی حاکم بر اکثریت کودکان ایرانی چندان سازگار نمی باشد. چرا که در فقه عامه نیز درباره ی سن بلوغ اتفاق نظر وجود ندارد. زیرا شافعیان و حنبلیان سن بلوغ را در دختر و پسر ۱۵ سال تمام قمری میدانند. مالکیان ۱۷ سال و خود مالک ۱۵ سال در دختر و پسر، حنفیان ۱۸ سال در پسر و ۱۷ سال در دختر را ملاک بلوغ قرار داده اند. (صفائی و امامی، مختصر حقوق خانواده، ص ۲۰۹)

مقنن کیفری نیز هر چند به شرح تبصره ی ۱ ماده ی ۴۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ و تبصره ی ۱ ماده ی ۲۱۹ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸، معیار تعیین مسئولیت کیفری را رسیدن به حد بلوغ شرعی تعیین نموده است. لیکن از فحوای این مواد چنین مستفاد می شود که مقنن ما سن بلوغ شرعی را به عنوان اماره ی قانونی برای مسئولیت کیفری هم پذیرفته است. (ایروانیان و همکاران، کودک آزاری؛ از علت شناسی تا پاسخ دهی، ص ۱۹۷)

با توجه به اهمیتی که در تعیین مرز میان بزرگسالی و کودکی در حوزه ی حقوق وجود دارد و با عنایت به پذیرش اصل حمایت ویژه از کودکان در حقوق، نوع رویکرد قانونگذاران در تعریف کودک، آثار و تبعات مثبت و منفی زیادی را می تواند به دنبال داشته باشد. چرا که در تعیین سن طفولیت در حوزه ی حقوق کیفری از بعد مسئولیت کیفری و در حقوق مدنی از بعد مسئولیت مدنی می تواند مؤثر واقع شود و هم چنین با تعیین «سن کودکی» از نظر قانونی کودک از حمایت های ویژه و یا بالعکس به پایان رسیدن این حمایت ها تاثیر مستقیم خواهد داشت و در تعیین سن کودکی از واقعیت های اجتماعی، اقلیمی و ورزشی باید بهره جست. علیرغم این که قانونگذار ایرانی به عنوان مثال برابر ماده ی ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی ربودن کودکان زیر ۱۵ سال یا به موجب تبصره ی ۱ ماده ی ۳ قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳

قاچاق اشخاص زیر ۱۸ سال را از موارد اشد مجازات اعلام کرده است. (برای مطالعه ی بیش تر ر.ک بیگی، راهبردهای حمایتی سازمان ملل متحد، ایران و اسلام در تأمین امنیت بزه دیدگان و شهود قاچاق انسان، صص ۵۹-۲۵) یا در ماده ی ۷۹ قانون کار به ممنوعیت به کارگیری افراد کم تر از ۱۵ سال اشاره نموده است. یا در قانون خاص دیگری تحت عنوان «قانون حمایت از کودکان و نوجوانان» مصوب ۱۳۸۱، اشخاص زیر ۱۸ سال تمام شمسی را به عنوان کودک فرض نموده است. در مقوله ی تعریف کودک بدون آن که حد و مرزی در مورد تعیین سن طفولیت داشته باشد با عدم تعیین سن دقیق دوران طفولیت، به نوعی یکی از راههای سوء استفاده در کودک آزادی را فراهم نموده است. از نظر لغوی صغیر به معنی کوچک و خرد است و در اصطلاح فقهی و حقوقی به شخصی اطلاق می شود که به سن بلوغ نرسیده و کبیر نشده باشد. (بیگی، بزه دیدگی اطفال در حقوق ایران، صص ۵۲-۵۱) بنابراین تعریف سازمان بهداشت جهانی (WHO)^۱، کودک هر انسان کم تر از ۱۸ سال است، مگر این که طبق قانون قابل اعمال در مورد کودک، سن قانونی کم تر تعیین شده باشد. (صیدی، درسوگ زندگی؛ بررسی پدیده کودک آزاری، ص ۸)

مطابق ماده ی ۱ کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹، منظور از کودک افراد انسانی زیر سن ۱۸ سال است. مگر این که طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک، سن بلوغ کم تر تشخیص داده شود. بدین ترتیب به قانونگذاران داخلی اجازه داده شده است تا با توجه به شرایط اقلیمی و دیگر شرایط اجتماعی و فرهنگی خاص هر جامعه در صورت ضرورت سن کودک را پایین تر قرار دهند. (زینالی، ابعاد حقوقی و جرم شناسی حمایت از کودکان و نوجوانان در معرض خطر، ص ۲۹)

از نظر مطالعه ی تطبیقی نیز به عنوان مثال در حقوق انگلستان برابر قانون کودکان ۱۹۸۹، کودک به عنوان فرد زیر ۱۸ سال تعریف شده است، هرچند که حقوق کیفری فقط افراد زیر ۱۶ سال را مشمول حمایت های ویژه خود قرار می دهد. (مهر، رویکرد جامعه شناختی و حقوقی به پدیده کودک آزاری، ص ۲۵۵)

۱-۲- کودک آزاری جسمی

در اصطلاح هرگونه آسیب جسمی یا روانی، سوء استفاده ی جنسی یا بهره کشی و عدم رسیدگی به نیازهای اساسی کودکان توسط افراد دیگر، کودک آزاری^۲ تلقی می شود. البته کودک آزاری در دو سطح نظری و عملی بررسی می شود که در مفهوم نظری «کودک آزاری عبارتست از هرگونه رفتاری که به

1- World Health organization.

2- Child abuse

تمامیت جسمانی، روانی، رشد فردی و اجتماعی و یا شان انسانی کودک، لطمه ای را وارد آورد». (ایروانیا و همکاران، پیشین، ص ۵۵)

هم چنین کودک آزاری در اصطلاح متخصصان امر به هر گونه رفتاری که مشتمل بر آزار جسمی یا سوء استفاده جنسی یا بی توجهی به کودک و نیازهای اساسی افراد و آزار عاطفی باشد، اطلاق می گردد.

البته به نظر می رسد که این تعریف از دیدگاه گونه شناسی کودک آزاری مورد بررسی قرار گرفته و فاقد ماهیت تعریف کودک آزاری می باشد. باید در نظر داشت که کودک آزاری یک امر نسبی است، بدین معنی که با توجه به فرهنگ و باورهای هر منطقه، تلقی متفاوتی از آن می شود. چه بسا رفتاری در یک جامعه، مصداق کودک آزاری محسوب شده و جرم به حساب آید، ولی در جامعه دیگری یک امر عادی محسوب شود. (فهرستی و نظری خاکشور، بررسی پدیده کودک آزاری از ابعاد حقوقی و ضرورت بازنگری، صص ۱۱۷-۱۱۶)

عنصر اصلی در کودک آزاری، کودک است و وجود کودک بزه دیده برای تحقق کودک آزاری ضروری است. کودک آزاری از دو کلمه ی «کودک» و «آزار» تشکیل شده است که قبلا به تفصیل به توضیح اصطلاح کودک پرداختیم و در این جا به توضیح واژه ی آزار می پردازیم که عبارت از نوعی آسیب می باشد که ناشی از رفتار و برخورد ظالمانه است. (طارمی، جرم شناسی فقهی و حقوقی کودک آزاری) واژه ی آزار فقط یک عمل واحد را در بر نمی گیرد، بلکه موارد متعددی از رفتارها را شامل می شود. در مورد یک بخش این رفتارها اختلاف نظر کمتری وجود دارد. زیرا همگان به آزار بودن این رفتارها از قبیل ضرب و جرح فیزیکی و تجاوز جنسی اذعان دارند. کم تر کسی به لحاظ وضوح آزار در مورد خصیصه ی اذیت و آزار این اعمال تردید دارد و از سوی دیگر موارد مشابهی وجود دارد که صراحت و وضوح قبلی در مورد آزار بودن آنها وجود ندارد و تمایز میان رفتارهای پسندیده و پذیرفتنی و رفتارهایی که آزار تلقی می شوند رفته رفته دشوارتر می شود. مثلا در تعیین مصادیق تنبیه بدنی کودک (به عنوان شیوه و راهی برای پرورش و تادیب او و یک رفتار پذیرفتنی) و ضرب و جرح کودک (به عنوان یکی از مصادیق آزار) دشوار می گردد و این سؤال مطرح می شود که با توجه به مثال مذکور عنصر مادی اذیت و آزار با عنصر مادی یک عمل غیر آن، مشابه است، ملاک تعیین یک عمل به عنوان اذیت و آزار چیست؟

در پاسخ به این پرسش دو دیدگاه در تعریف کودک آزاری وجود دارد که بر مبنای تعریف موسع از کودک آزاری، تعداد کودکانی که با عنوان «آزار دیده» دسته بندی میشوند به نحو قابل توجهی زیاد خواهد شد و بر پایه ی تعریف مضیق از کودک آزاری که موجب کاهش اذیت و آزار کودکان آزار دیده

می‌شود و باعث می‌شود تا بسیاری از کودکان از حمایت کیفری محروم شوند و در معرض خطر بزه دیدگی مجدد و بزهکاری در آینده قرار گیرند. (مهرا، پیشین، صص ۲۵۸-۲۵۷)

اگر بخواهیم به کودک آزاری نگرشی عملی و دربستر سیاست‌های جاری تاملی داشته باشیم می‌توان این گونه بیان داشت که کودک آزاری تمام اشکال سوء رفتار با کودکان از جمله تنبیه بدنی را نیز در بر گرفته که منجر به ایراد آسیب‌های بالفعل یا بالقوه بر سلامتی، بقاء، رشد یا مقام و منزلت کودک می‌شود و درحیطه یک رابطه‌ی مسئولیت، اعتماد و یا اعمال اختیارات فرد صورت می‌پذیرد. (ایروانیان و همکاران، پیشین، صص ۵۹)

بر مبنای دیدگاه ارائه شده توسط سازمان بهداشت جهانی، کودک آزاری به یکی از اشکال ذیل قابل تحقق می‌باشد:

۱. کودک آزاری جسمی^۱، ۲. کودک آزاری عاطفی^۲، ۳. کودک آزاری جنسی^۳، ۴. کودک آزاری مبتنی بر غفلت و بی‌مبالاتی^۴.

در مجموع علل فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به بروز کودک آزاری منتهی به تنبیه بدنی کودکان منجر خواهد شد و بر این مبنا تعریف کودک آزاری جسمی تحت تاثیر قوانین و مقررات و ارزش‌های فرهنگی هر جامعه قرار دارد.

کودک آزاری جسمی، عبارت از حمله‌ی فیزیکی به کودک است، به گونه‌ای که موجب درد، بریدگی، کبودی، شکستگی استخوان و سایر جراحات و حتی مرگ گردد. (قرائی، یک آیه و چند نکته؛ اذیت و آزار کودک از دیدگاه اسلام، صص ۱۶) با این وصف آزار جسمی کودک، منتهی به آسیب جسمی بالفعل یا بالقوه‌ی وی می‌گردد. این رفتار درحیطه‌ی رابطه‌ی مسئولیت، اعتماد و یا اعمال اختیارات فرد صورت می‌پذیرد. در این تعریف این گونه به نظر می‌رسد که اغلب تنبیه بدنی کودکان بیشتر توسط افرادی که اختیار و یا مسئولیت نگهداری کودک را برعهده دارند و کودک نسبت به آن‌ها اعتماد دارد صورت می‌گیرد. رفتارهای کودک آزاری جسمی از جمله تنبیه بدنی کودکان به صورت عمدی و با سوء نیت خاص ورود صدمه به کودک و یا در نتیجه‌ی اعمال تربیتی و تادیبی والدین که به منظور تنبیه کودک صورت می‌پذیرد، واقع می‌شود.

1- Physical child abuse.

2- Affective child abuse.

3- Sexual child abuse.

4- Neglect.

۳-۱- تنبيه بدنى

تنبيه در لغت به معنى آگاهانيدن، بيدار كردن، واقف گردانيدن به چيزى و هوشيار كردن آمده است. در اصطلاح به عملى گفته مى شود كه لازمه ي آن آگاه و هوشيار كردن باشد (اكبرى، نقش تنبيه در تربيت از ديدگاه اسلام) كه معنى لغوى و عام تنبيه مى باشد. در معنى خاص نيز تنبيه عبارت از انجام كار نامطلوب توسط كودك بوده كه ما در مقابل كار نادرست او، رفتارى انجام مى دهيم كه براى او نامطلوب است و لذا تنبيه در معنى اخص همان تنبيه بدنى مى باشد. (داودى، نشست علمى جاىگاه تشويق و تنبيه كودك و نوجوان) در اصطلاح فقهاء نيز تنبيه مترادف تاديب به كار رفته است و آن مجازات سبكى است كه اسلام براى اعمال ناشايسته ي كسانى كه به حد تكليف شرعى نرسيده اند در نظر گرفته است. (وزيرى، حقوق متقابل كودك و ولى در اسلام و موارد تطبيقى آن، ص ۳۲۱)

بدر نظر گرفتن هدف درونى و حالات روانى تنبيه كننده، تنبيه ممكن است به چهار صورت و يا چهار نوع انجام گيرد: تنبيه انتقامى، تنبيه بازدارنده يا تنبيه به منظور منع و نهى كودك از ارتكاب خلاف، تنبيه به منظور اندرز ديگران و عبرت آموزى ناظران تنبيه و تنبيه اصلاحى كه از تشويق و مدارا و رفق و ملاحظت استفاده نموده و در صورت عدم تاثير گذارى به تدريج از تنبيه زبانى به بدنى به كار گرفته شود و بايد همه ي مراحل آن، به مورد و بجا و بشرايطى معين اعمال گردد. (حجتى، شرايط و كارايى تنبيه در تربيت كودك و نوجوان، صص ۴۸ و ۴۱)

برخى از مصاديق تنبيه بدنى كودكان عبارتند از: شلاق زدن، لگد زدن، سوزاندن، پرت كردن و هل دادن، خفه كردن، گاز گرفتن و شكستگى، كبودى، بريدگى و ساير جراحت. آزار جسمى حتى ممكن است به سلب حيات از كودك و يا معلوليت و نقص عضو دائمى وى منجر گردد. (ايروانيان و همكاران، پيشين، ص ۶۲)

كودك تحت تنبيه قرار گرفته، از خود علايم و نشانه هاى نظير ترس از پدر و مادر نشان مى دهد. كما اين كه كودكانى كه مورد تنبيه بدنى قرار مى گيرند ممكن است داراى رفتار تهاجمى، افسرده، مضطرب، عدم اعتماد به نفس، پر خاشگري، رفتارهاى مخرب، اعتياد به مواد مخدر، اختلال هاى جسمى، روحى و روانى، كناره گيرى، افت تحصيلى باشند. (صيدى، پيشين، صص ۲۳-۲۲)

۲- جاىگاه تنبيه بدنى كودكان در آموزه هاى روايى، قانونى و اسناد بين المللى

خشونت و آزار و به طور كلى به كارگيرى روش هاى كه به ضرر جسمى و مالى ديگران منجر مى - شود، به خصوص در رابطه با مسائل تربيتى كودكانى كه خداوند به آنان شخصيت و كرامت عطا فرموده

از نظر اسلام ممنوع است که مقنن ما نیز تحت تاثیر منابع روایی و اسناد بین المللی، ممنوعیت تنبیه بدنی کودکان را به عنوان اصل مدنظر قرار داده است.

۲-۱- تنبیه بدنی کودکان در روایات اسلامی

از دیدگاه قرآن ظلم و ستم و آزار رساندن به دیگران محکوم است و لذا بایستی به هر وسیله‌ای جلوی آن گرفته شود. (سوره آل عمران، آیه ۱۰۸) امامان معصوم علیهم السلام نه تنها با کودکان با رأفت و نرمی رفتار میکردند، بلکه با غلامان خود نیز خوشرفتار و نرم خوی بوده اند. (طبسی، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت علیهم السلام) در روایات و احادیث فراوانی شکنجه و آزار رساندن به مردم نهی و وعده‌ی عذاب خداوند به ضارب و عامل آن داده شده است که در این باره به نقل حدیثی از امام صادق (ع) می‌پردازیم که می‌فرماید: اگر کسی دیگری را تازیانه بزند خداوند او را با تازیانه‌ای از آتش خواهد زد. (به نقل از موسوی بجنوردی، کودک آزاری، ص ۱۳)

روایاتی را که در باب تنبیه (به طور عام) آمده می‌توان از سه جنبه مورد بحث و بررسی قرار داد:

۱. روایاتی که اذیت و ایذاء غیر را مورد نکوهش، مذمت و تحریم قرار داده اند؛ تنبیه کودک نیز در واقع نوعی اذیت و اضرار به غیر محسوب می‌شود. لذا استفاده از این روش صحیح نبوده و جایز نمی‌باشد. روایات وارده در این باب مبین این هستند که چون ضرب، ظلم و اذیت غیر و تنبیه بدنی و مطلقاً هر نوع ایذایی ظلم محسوب می‌گردد، حرام است. بنابراین تادیب و تنبیه کودکان و متریبان در غیر مواد نص، شرعاً جایز نیست. (حسنی، تنبیه از منظر روایی، فقهی و روان شناسی) تنبیه بدنی بدون قصد تربیت، مصداق ظلم خواهد بود که از نظر عقل و عقلا، ظلم قبیح بوده و ظالم استحقاق ذم و عقاب خواهد داشت. بنا بر این اگر تنبیه کننده قصدی غیر از تربیت و تادیب داشته باشد، عمل وی مصداق ظلم بوده و حرام است. از این رو تنبیه بدنی در حالت غضب و ناراحتی در صورتی جایز است که شخص کاملاً بر خود مسلط باشد و تنبیه بدنی را به قصد تربیت و تادیب انجام دهد. در این میان علاوه بر این که مرز میان تنبیه جایز و تنبیه حرام کاملاً باید ملاحظه شود. در مورد سن کودک تنبیه شونده نیز باید وضعیت مشخص شود. چرا که در فرضی تنبیه بدنی با هدف تربیت و تادیب جایز است که کودک در سنی باشد که تنبیه بدنی روی او اثر تربیتی داشته باشد و لذا اگر در سن خیلی پایینی باشد که تنبیه بدنی بر روی او اثر نداشته باشد، این عمل جایز نخواهد بود. از این رو با توجه به تاثیر تربیتی تنبیه بدنی، کودک باید در سنی باشد که قابلیت تشخیص و تربیت شدن را داشته باشد. بر همین اساس در روایات اسلامی به والدین توصیه شده است که تربیت و تادیب کودکان را از هفت سالگی آغاز نمایند. (آهنگران، محدوده مجاز تنبیه بدنی کودکان از منظر روایات اهل بیت)

۲. روایاتی که در باب اکرام و محبت به کودکان و متریبان می باشد؛ به طور کلی در آنها توصیه شده که در ارتباط با غیر به رفق و مدارا عمل نمایند و از هر نوع خشونت و تندى، به ویژه در برخورد با کودکان پرهیز کنند. از بررسی روایات این دسته هم برداشت می شود که اکرام، محبت، رفق، مدارا و ارزش قائل شدن به کودکان باید جزء اصول تربیتی باشد. عفو، رحم و اغماض از خطای کودکان و متریبان در تربیت، مقدم بر سایر روش هاست، اما اگر با این روش ها غرض حاصل نشد، باید از تادیب و تنبيه در حد متعارف استفاده کرد.

۳. دسته سوم روایاتی هستند که در آنها به تنبيه و تادیب کودک و متریبی تصریح شده است؛ این روایات در کتاب کافی مرحوم کلینی تحت عنوان «تأديب الولد» ذکر شده است و در منابع روایی و فقهی معتبر دیگری نیز این گونه تصریح گردیده است که روش اصلی و اولیه در تربیت اطفال و متریبان همان روش های مطلوب و انسانی است و به کار گیری روش تنبيه در مواردی جایز است که منصوص باشد و از راه محبت و رحمت نتوان به هدف اصلی که همان اصلاح رفتار و تربیت کودک است، رسید و تنبيه اثر اصلاحی و تربیتی دارد و اگر هم در تمام موارد اثر مطلوب نداشته باشد، دست کم عامل بازدارنده خواهد بود. (وزیری، پیشین، ص ۳۳۱)

در زمینه ی تنبيه بدنی کودکان نیز به طور خاص سه دسته روایت از ائمه معصومین (ع) وارد شده است: دسته اول روایاتی است که اجازه ی تنبيه کودک را به حاکم می دهد تا در برابر گناهانی که کودک انجام می دهد مانند سرقت، زنا، لواط و... او را تنبيه و یا تعزیر کند. به دلیل اینکه این دسته از روایات در مورد حقوق کیفری است و تحقق آن به دست قاضی است و با بحث ما یعنی تنبيه کودک به عنوان یک فعل حرام بیگانه است، از بحث درباره ی آنها صرف نظر می کنیم.

دسته دوم روایاتی است که تنبيه کودک را در جهت تربیت و تادیب او برای پدر و معلم جایز

می شمارند. از جمله این روایات می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱) اسحاق بن عمار می گوید به امام صادق (ع) گفتم گاهی من غلام خود را به خاطر خلافتی که مرتکبمی شوم می زنم. امام پرسید چقدر او را می زنی؟ گفتم چه بسا صد تا او را می زنم. امام فرمود: صد تا! صد تا! و این را دو بار تکرار کرد. سپس فرمود: حد زنا را می زنی؟ از خدا بترس. به او گفتم فدایت شوم پس چه قدر جایز است بزنی؟ امام فرمود: یکی. گفتم به خدا قسم اگر او بداند که بیش از یکی او را نمی زنم همه چیز را از بین می برد. امام فرمود: پس دو تا بزنی. گفتم اگر چنین باشد هلاک خواهم شد. اسحاق می گوید باز هم با امام چانه زدم تا او به پنج تا راضی شد. سپس ناراحت شد و فرمود: ای اسحاق اگر حد جرم را می دانی آن را اقامه کن و از حدود خدا تجاوز نکن.

۲) حماد بن عثمان می گوید از امام صادق (ع) در مورد ادب کودک و عبد پرسیدم امام فرمود: پنج یا شش ضربه و تا می توانی مدارا کن.

۳) از پیامبر اکرم (ص) نیز نقل شده است که ادب کودک سه ضربه است و افزون بر آن، روز قیامت قصاص می شود.

در این جا تذکر این نکته لازم است که در روایات حکم عبد و کودک دست کم از حیث تنبیه و تادیب یکی است. در روایت دوم نیز از امام راجع به ادب کودک و عبد سؤال شد، امام تفاوتی قائل نشدند و برای هر دو یک پاسخ فرمودند.

دسته سوم روایاتی است که تنبیه کودک را بر ترک نماز جایز می شمارند. به عنوان مثال در حدیثی آمده است که حضرت رسول (ص) فرمودند: نماز را در هفت سالگی به کودک یاد دهید و در ده سالگی او را بر ترک نماز تنبیه کنید. (حسینی زاده، تنبیه از دیدگاه اسلامی)

۲-۲- تنبیه بدنی کودکان در قوانین داخلی

در اصطلاح حقوقی تربیت به معنای پرورش روحی، اخلاقی و معنوی کودکان استعمال شده است. حال آن که در روایات اسلامی ما از تنبیه بدنی بسیار اجتناب گردیده و تنها در مرحله آخر که راه های دیگر به نتیجه نرسیده باشد با ترتیبات خاصی مجاز اعلام گردیده است. (صفائی و امامی، پیشین، ص ۳۵۲)

مقنن داخلی در ماده ی ۱۱۷۳ قانون مدنی به دفع خطر جسمی و اخلاقی کودک که منافات با لازمه ی حضانت دارند و کودکان تحت خطر جسمی و روحی قرار دارند تاکید داشته است. (کاتوزیان، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، ص ۷۰۸) در ماده ی ۱۱۷۹ همان قانون، قانونگذار برای نیل به اهداف تربیت اسلامی مقرر نموده است که ابوین اجازه دارند طفل را تنبیه کنند ولی این تنبیه باید در حدود تادیب و برای تربیت اخلاقی و معنوی و در حدود متعارف باشد. (صفائی و امامی، پیشین، ص ۳۵۳)

با امعان نظر بر بند ۱ ماده ی ۵۹ قانون مجازات اسلامی در مورد اقدامات والدین و اولیاء قانونی آنان که به منظور تادیب یا حفاظت آنان انجام می شود، مبنای مشروعیت عمل و جرم تلقی نشدن عمل والدین در تنبیه آنان، حکم قانون است که به موجب آن اولیاء حق تنبیه کودک خود را دارند. بنابراین عوامل و حدود حق تنبیه والدین دو مورد است:

۱. به قصد تادیب و محافظت باشد (عامل درونی). ۲. در حد متعارف باشد (عامل بیرونی). (شکری و سیروس، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، ص ۱۵۱)

همین طور تنبیه بدنی کودک باید غیر شدید و مطابق با سن و حال صغیر بوده و به مواضع خطرناک کودک نباید آسیب جسمی وارد شود و تنبیه بدنی به نحوی صورت گیرد که عرفاً و از نظر عقلی نیز

تاديب تلقى گردد، نه اين كه باعث جرمى گردد كه عمل اولياء و والدين مستوجب ديه گردد. وانگهى، از آن جا كه تنبيه كودك در حد متعارف توسط والدين و سرپرستان قانونى در قوانين ايران جرم محسوب نمى شود و تنبيه در عرف ايران با توجه به وسعت جغرافيايى و تنوع نژاد و قوميت بسيار متفاوت است، ممكن است اعمال مجازات براى مرتكب متنفى باشد. (عباچى، رهنمودهاى حقوق كيفرى ماهوى در قبال كودكان بزه ديده، ص ۱۹۲) به عبارت ديگر، متعارف بودن تنبيه بيشتر ناظر به شرايط عينى و بيرونى است و متوجه قضاوتى است كه عموم مردم از رفتار تنبيه آميز دارند و ممكن است برحسب زمان و مكان درتغيير و تحول باشد. در حالى كه در اين رابطه بايد نوع و ماهيت تنبيه و تاثيرى كه بر روان واحساسات كودك برجاى مى گذارد مورد توجه قرار گيرد. (باوى، مشروعيت قانونى تنبيه كودكان، صص ۴۱-۴۰)

هرچند عدم جرم انگارى تنبيه بدنى موضوع بند ۱ ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامى شامل آموزگاران و معلمان نمى شود^۱ و برابر ماده ۷۷ آيين نامه ي اجرائى مدارس، تنبيه بدنى ممنوع است. لذا معلمان، مديران، آموزگاران و ساير اولياى مدارس در صورت ارتكاب هرنوع تنبيه كه به سلامت جسمانى و روانى دانش آموزان منتج گردد مشمول مجازات پيش بينى شده در ماده ۴ قانون حمايت از كودكان و نوجوانان ۱۳۸۱ (سه ماه و يك روز تاشش ماه حبس و يا تا ده ميليون ريال جزاى نقدى) مى شوند. (حبيبي، بررسى و تحليل حقوقى و فقهى تنبيه دانش آموزان توسط معلمان، ص ۳۴) با اين وجود تنبيه بدنى دانش آموزان توسط معلمان و مربيان مدارس با اين كه طبق بند ۲۳ ماده ۳ آيين نامه ي دادرسى ادارى مصوب ۱۳۴۶، ۱۳۴۷ و... موضوع تبصره ي ماده ۵۸ منسوخه ي قانون استخدام كشورى مصوب ۱۳۴۵ خطاى ادارى به شمار مى آيد. متاسفانه در ماده ۸ از فصل دوم قانون رسيدگى به تخلفات ادارى مصوب ۱۳۷۲ به عنوان يك تخلف ادارى ذكر نشده است. (رضايى، تنبيه بدنى و مسئوليت هاى قانونى اولياء و مربيان، ص ۱۰)

والدين بايد در تنبيه بدنى كودكان اين موارد را در نظر داشته باشند كه عامل تنبيه نمى تواند باعث تعالى فكرى و معنوى در كودك باشد، لكن قانونگذار ما بايد اين نكته را مد نظر قرار دهد كه تنبيه بدنى كودك راه حركت خشونت آميز كودك در جامعه را درآينده هموار مى كند و اين درست همان است كه در آموزه هاى دينى ما نقد شده است. مهم نيست كه تنبيه جسمى است يا روحى يا تنبيه هاى جانبى نظير تنها گذاشتن كودك و بى توجهى به وي و كمبود عشق و علاقه باشد، بلكه مهم آن است كه تنبيه از هر نوع آن، اثرهاى مخربى در روح كودك به جاى گذاشته و تماميت وجود او را جريحه دار مى كند

۱- ر.ك به نظريه شماره ۱۰۶۲/۷-۸/۱۳۷۲ اداره كل حقوقى و تدوين قوانين قوه قضائيه.

و اسلام نسبت به آینده‌ی جسمی و فکری کودک حساسیت خاص را نشان داده است. هم چنین والدین توجه خود را معطوف این نکته بدانند که اگر کودک با تنبیه بدنی و خشونت بزرگ شود، اعمال قدرت نزد دیگران را از طریق کتک زدن تجربه کرده و بدین صورت از قربانی تنبیه‌های گذشته، عامل تنبیه‌های آینده پرورش می‌یابد. لذا مناسب به نظر می‌رسد که قانونگذار داخلی باید پس از حلاجی فلسفه‌ی تنبیه و با عنایت به فلسفه‌ی تنبیه فرد در آموزه‌های اسلامی، قوانینی مستحکم وضع نماید. (شکری و سیروس، پیشین، ص ۱۵۲) خوشبختانه پیش نویس لایحه‌ی حمایت از کودکان و نوجوانان^۱، ضمن حمایت کیفری موثر از کودکان و نوجوانان بزه دیده برای طیف کودکان و نوجوانان در معرض خطر نیز چاره اندیش نموده است. (موذن زادگان، سیرت‌حول قوانین کیفری حمایتی کودکان و نوجوانان در حقوق ایران، ص ۳۹)

۲-۳- تنبیه بدنی کودکان در اسناد بین‌المللی

در اسناد بین‌المللی متعدد جهانی و منطقه‌ای از جمله ماده‌ی ۱۹ کنوانسیون حقوق کودک و ماده‌ی ۱۶ منشور آفریقایی حقوق و رفاه کودک، به حمایت سرپرستان و والدین کودکان در برابر کلیه اشکال خشونت جسمی و روانی و صدمه یا آزار وارده بر علیه کودکان تاکید شده است. برخی از اسناد حقوق بشری در کنار توجه به پیش بینی ساز و کارهای حمایت کیفری از کودکان در برابر بزه دیدگی به صورت کلی و پذیرش مفهوم حمایت کیفری ویژه کودکان، به مصادیق بزه دیدگی نیز پرداخته و ساز و کارهای حمایتی را به نحو دقیق‌تری پیش بینی کرده اند. (نجفی ابرندآبادی، خالقی وزینالی، حمایت کیفری از کودکان در برابر تورسم جنسی، ازمنع جهانی تا واکنش نظام های کیفری داخلی، ص ۹۵) پاره‌ای از این اسناد بین‌المللی که به نوعی ممنوعیت تنبیه بدنی کودکان را می‌توان از آن‌ها برداشت نمود به شرح زیر می‌باشد:

۱. اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸. ۲. اعلامیه‌ی جهانی حقوق کودک ۱۹۵۹.

۳. کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹. ۴. منشور آفریقایی حقوق و رفاه کودک ۱۹۹۰.

۵. اعلامیه اسلامی حقوق بشر ۱۹۹۰. ۶. مقاله‌ی سازمان بین‌المللی کار در خصوص محو بدترین اشکال کار کودک ۱۹۹۹. (برای مطالعه این اسناد ر.ک دیوید انجل، قانون بین‌المللی حقوق جوانان، ج ۲)

۱- این لایحه پس از ۳ سال بررسی های کارشناسانه شورای تدوین لوایح و برنامه های معاونت حقوقی و توسعه قضایی و سپس تصویب در جلسه مسئولان عالی قضایی جهت طی فرایند تصویب به دولت ارسال شده است که تا به حال متاسفانه تصویب نگردیده است

در ماده ۱۹ کنوانسيون حقوق كودك، به تعهد دول عضو در جهت حمايت از كودكان در برابر تمامى اشكال خشونت روحى و جسمى تاكيد شده است و ماده ۳۷ اين كنوانسيون به تعهد دولت‌ها در برابر حمايت از كودكان در برابر هرگونه آزار جسمى آنان و تنبيه بدنى اشاره كرده است. علاوه بر اين كنوانسيون، اسنادى همانند ميثاق بين‌المللى حقوق مدنى و سياسى ۱۹۶۶، كنوانسيون اروپايى حقوق بشر ۱۹۵۰، كنوانسيون آمريكايى حقوق بشر ۱۹۶۹ و كنوانسيون منع شكنجه و رفتارهاى غيرانسانى ۱۹۸۱ در جهت حفظ و حمايت از كرامت انسان باممنوعيت مجازات و رفتارهاى غيرانسانى تدوين يافته كه مى‌توان آن‌ها را در راستاى ممنوعيت تنبيه بدنى كودكان نيز به كار گرفت. (ابراهيمى، تنبيه بدنى كودكان) كما اين كه برخى از گزارشگران ويژه‌ى حقوق بشر هم در گزارش هاى خود به ممنوعيت تنبيه بدنى كودكان برپايه‌ى ممنوعيت شكنجه و ساير رفتارها يا مجازات هاى غيرانسانى، ظالمانه يا تحقيرآمیز تاكيد نموده‌اند

با نگاهی به مواد مرتبط با بحث حاضر در اسناد یاد شده می‌توان اذعان داشت که باگنجاندن اشكال گوناگون كودك آزارى در قوانين كيفرى دول عضو و تعيين مجازات و ضمانت اجراى مناسب در برابر افراد كودك آزار مى‌توان به حمايت از كودكان آزار ديده اقدام نمود. (ايروانيان و همكاران، پيشين، صص ۱۴۹-۱۲۲) امرى كه مقنن داخلى ما نيز با توجه به مواردى چون اعتياد والدين به مواد مخدر، ضرورت بازنگرى در قوانين مرتبط با پيشگيرى از تنبيه بدنى كودكان را بايد بيش تر مورد عنايت قرار دهد.

۳- ضرورت و شرايط تنبيه بدنى كودكان

تنبيه درست و طبق آداب، روشى است مناسب براى بيدار كردن و هوشيار ساختن و ادب كردن كودكان و براى جدا كردن آن‌ها از بدى و كجى مى‌باشد. تنبيه و مجازات درست و طبق ضوابط، نقش اساسى در اصلاح فرد و جامعه دارد و عليرغم ظاهر آن، از لطافت و جمالى شگفت برخوردار است و عين رحمت و محبت بوده و باعث پاكى و پاكيگى فرد و جامعه مى‌شود. تنبيه و مجازات اصالت نداشته و آن چه اصل است رحمت و محبت و گذشت و بخشش است و اساس تربيت بوده و تنبيه و مجازات تبع آن است و خود جلوه‌اى از دوستى و محبت براى اصلاح و تربيت فرد بوده و بنا بر اين تا آن جا كه ممكن است بايد مدارا كرد و از تنبيه پرهيز نمود. (دلشاد تهرانى، سبرى در تربيت اسلامى، صص ۳۵۸-۳۵۷) به عبارت ديگر، اگر ناروايى نيز از كودكان سر زد و سخنى ناسنجيده از آنان شنيده شد، بايد تحمل كرد و روى برآنان ترش نكرد، مگر در مقام تاديب و اين روشى است كه منسوب پيامبرانعالى مقام و معمول رهبران كرام بوده است. (حيدرى نراقى، رساله حقوق امام سجاد(ع)، ص ۳۹۸) گرچه برخى ژست دلسوزانه و روان شناسى گرفته و تنبيه را به كل رد مى‌كنند و آن را عامل كينه، عقده، طغيان، ترس و بيمارى‌هاى مى‌دانند. ولى نظر اسلام اين است كه با اين كه مليون‌ها كودك

تنبیه بدنی شده‌اند، لیکن نه بیمارند و نه نسبت به والدین و اولیاء قانونی خود کینه دارند. (امینی، آیین تربیت، صص ۳۶۹-۳۶۵)

گاهی بر اثر اهمال و بی‌مبالاتی والدین در امر تربیت، کار کودک به جایی کشانده می‌شود که تنبیه امری لازم و غیر قابل اجتناب می‌شود. البته آن‌ها که کودک را کتک می‌زنند، افرادی عقده‌ای و گرفتارند، یا تمام راه‌های اصلاح را روی خود بسته می‌بینند و یا معتقدند که کودک فاسد و منحرف است، در صورتی که طفل ذاتا شرور و فاسد نیست.

طبق نقلی حضرت علی(ع) فرمود: «آن کس را که مدارا اثر ندهد مجازات و تنبیه او را اصلاح خواهد کرد». پس باید اقدام‌های قبل از تنبیه را پیش گرفت و تنها در صورت عدم اثربخشی از تنبیه استفاده کرد. اقدام‌هایی که پیش از تنبیه باید صورت گیرد از این جمله‌اند: تذکر، اخطار، تحکم (با قاطعیت سخن گفتن)، ملامت، قهر، توبیخ، تهدید. در حدیثی دیگر امام رضا(ع) می‌فرمایند: «کودک را کتک نزن بلکه با او قهر کن، اما قهر را ادامه مده». (به نقل از یوسفیان ثانی، شیوه تنبیه به هر حال شرایطی که در تنبیه کودکان باید مد نظر قرار گیرد عبارتند از:

۱. تنبیه از جرم بیش تر نباشد (متناسب با عمل خطایی باشد). ۲. تنبیه فوق طاق‌ت نباشد.
۳. تنبیه با جرم مناسب باشد. ۴. تحمل رفتار کودک (هر خطا و اشتباهی قابل تنبیه نیست). ۵. مانند یک افسر برخورد نشود. ۶. حیا از پدر و مادر در کودک حفظ و تقویت شود. ۷. کار بد نکوهش شود نه خود کودک. ۸. تنبیه در صورتی باشد که سایر راه‌های تربیتی موثر نگردد. ۹. تنبیه با بدآموزی (مثل فحش) همراه نباشد. ۱۰. تنبیه حساب شده باشد. ۱۱. قدرت و ضعف کودک در نظر گرفته شود. ۱۲. تنبیه مضاعف نباشد (هم شلاق و هم زخم زبان). ۱۳. توقع بیش از توان او نباشد. ۱۴. تنبیه استثناء باشد نه عادت. ۱۵. مورد تنبیه جزئی و مصداقی باشد تا فرزند بفهمد دلیل چیست. (برای مطالعه بیش تر ر.ک وزیر، پیشین، صص ۳۳۶-۳۳۴)

وانگهی باید از تنبیه‌های شدید در برابر خطاهای کوچک یا از تنبیهات گروهی برای اشتباهات فردی، به ویژه تنبیه‌های بدنی، کنایه آمیز و توهین دار خودداری کرد. چون این تنبیه‌ها غالباً در ضمیر و روان متربی کینه و روحیه انتقام جویی ایجاد می‌کند. از تنبیه به عنوان آخرین روش در تغییر رفتار، آن هم به شکل ساده استفاده شود و در روایات اسلامی هم روش اولیه برای برخورد با رفتار نامناسب، مدارا و نرمی است. در صورتی که نرمی سودمند نباشد، تندی و برخورد مناسب با خطا به عنوان داروی تلخ و آخرین راه حل تجویز شده است. (حسینی، پیشین) اگر در تربیت کودک چاره‌ای جز تنبیه بدنی او نیافتیم، ناگزیر باید تا حد امکان از تنبیه بدنی وی اجتناب نموده و در صورت تنبیه بدنی به حداقل ممکن در تنبیه بسنده نموده و شرایط زیر را بایستی حتما رعایت نماییم:

۱) تنبیه در آخرین مرحله باشد. ۲) تنبیه بدنی در حداقل باشد. ۳) تنبیه بدنی با وسیله‌ی بسیار ساده باشد. ۴) تنبیه بدنی تکرار نشود. ۵) تنبیه بدنی در برابر دیگران نشود. ۶) تنبیه بدنی حالت انتقام گرفتن نداشته باشد. ۷) تنبیه بدنی بر کسی که ادب می‌شود قابل توجیه باشد و بدانند چرا تنبیه می‌شود. ۸) تنبیه بدنی به مرکز سرخ شدن یا کبود و سیاه شدن نرسد. ۹) تنبیه بدنی همراه با سوز و محبت و جبران باشد. ۱۰) تنبیه بدنی در کنار تشویق‌ها باشد که هنگام کار نیک از طرف انجام می‌دهد. (همان)

۴- آثار و پیامد های تنبیه بدنی کودکان

برخی از والدین راه چاره را در تربیت فرزندان، تنبیه بدنی می‌دانند، اما همواره به جای تنبیه و اعمال خشونت راه بهتری نظیر تشویق هم می‌توان یافت. چون تنبیه بدنی عوارض متعددی در رفتار و روحیه‌ی کودکان به جای خواهد گذاشت. بسیاری از والدین عمدا دست به تنبیه بدنی نمی‌زنند، معمولا هنگامی این رفتار از بزرگ‌ترها سر می‌زند که کنترل خود را از دست بدهند یا احساس ناامیدی کنند. اکثر والدین حداقل یک بار فرزندشان را تنبیه بدنی کرده‌اند و این‌گونه استدلال می‌کنند که تنبیه بدنی موثر واقع شده است. اما واقعیت این است که اگر تنبیه بدنی موثر باشد فقط در کوتاه مدت تاثیرگذار است.

تحقیقات به عمل آمده توسط مرکز ملی کودکان فقیر در دانشگاه کلمبیا به این نتایج رسیده است که هر چقدر کودک بیش تر تنبیه شود احتمال بروز رفتار پرخاشگرانه در او بیش تر می‌شود و کودکانی که با تنبیه بزرگ شده‌اند کم تر درست و نادرست را از هم تشخیص می‌دهند و در غیاب والدین خود بیش تر از سایر کودکان رفتار نادرست و بی‌ادبانه انجام می‌دهند. (بی نا، این والدین خشن، ص ۲۸) بنابراین مطالعاتی هم که در دانشگاه تولان نیواورلئان صورت گرفته است کودکانی که در سه سالگی مورد تنبیه بدنی قرار می‌گیرند از سن پنج سالگی به بعد رفتارهای نامطلوبی از خود نشان می‌دهند. (به نقل از گروه سلامت سیمرغ، آیا تنبیه بدنی کودکان موثر است؟)

اسکینر (روانشناس معروف) بعد از تحقیقات فراوانی که در زمینه‌ی تشویق و تنبیه انجام داد، چنین نتیجه‌ی گیری کرد که تنبیه در دراز مدت بی‌تاثیر است. چنین به نظر می‌رسد که تنبیه صرفا رفتار او را پس می‌زند و زمانی که دیگر تهدید تنبیه وجود نداشته باشد، نرخ پاسخ به میزان اولش باز می‌گردد. بنابراین، گرچه تنبیه اغلب خیلی موثر به نظر می‌رسد، در واقع تنها اثری ناپایدار برجای می‌گذارد. (به نقل از قلیزاده کلان، تنبیه بدنی کودکان و راه‌های جایگزین)

تنبیه به معنای کتک زدن اگر به صورت خشونت و غیرعادلانه باشد آثار ناگواری در پی دارد و در رشد کودک موثر نیست، بلکه در مواردی آثار رشد را می‌زداید. این شیوه پیامدهایی از قبیل کینه توزی، احساس حقارت، احساس جرم، دروغ‌گویی، گریز از خانه و مدرسه، نامطلوب شدن رابطه‌ی کودک و

والدین، تزلزل اعتبار و ارزش والدین، ایجاد حالت تنفر، مقاومت و شورش کودک و... دارد. (یوسفیان ثانی، پیشین، ص ۸۴) گاهی این پیامدهای نابهنجاریه حدی می‌رسد که کودک از خود نا امید می‌شود، یا در برابر دوستان چنان خجل و ناراحت می‌گردد که دوستی خود را رها می‌کند. منظور این نیست که هرگز تنبیه نباشد بلکه باید بر اساس ضابطه‌ای عادلانه و متناسب با ظرفیت کودک، حتی مبتنی بر احترام باشد.

باید توجه داشت که استفاده از تنبیه جهت تغییر رفتار کودک، گاه پیامدهای ناخوشایند و زیانباری را به دنبال دارد که به برخی از این اثرهای منفی اشاره می‌کنیم:

۱. یکی از اثرهای منفی تنبیه این است که تنبیه در شخص تنبیه شده نسبت به عامل تنبیه‌کننده و دیگران پرخاشگری ایجاد می‌کند. افرادی که تنبیه می‌شوند در برابر آن واکنش متقابل نشان می‌دهند و باعث پرخاشگری نسبت به شخص تنبیه‌کننده و دیگران می‌شوند و حتی ممکن است به دلیل مقاومت کردن علاوه بر پرخاشگری، فرار از خانه، انحراف اجتماعی و اخلاقی را به دنبال خود بیاورد.

۲. اثر دوم این است که تنبیه گاه آثار جانبی نامطلوب به بار می‌آورد. ممکن است تنبیه در افرادی به خصوص کودکان سبب ترس، وحشت و اضطراب گردد و تا مدت‌های زیادی دوام یابد و این ترس به محرک‌های مختلفی که هنگام تنبیه شدن او حضور دارند تعمیم می‌یابد. مثلاً کودک که توسط معلم تنبیه شده بعداً بر اثر تعمیم، از مدرسه و مربی و مدیر و تمام محیط آموزشی زده می‌شود.

۳. در برخی از موارد ممکن است تنبیه باعث افزایش رفتار نامطلوب شود و شخص تنبیه‌شونده آن را وسیله‌ای برای ابراز وجود بداند. مثلاً دانش‌آموزی که به خاطر رفتار نامطلوبش از بلندگوی مدرسه نامش خوانده می‌شود و یا در تابلوی مدرسه و یا روی تخته سیاه نوشته می‌شود، احساس خود بزرگ‌بینی کند و به دوستان خود هم بگوید بین اسم من را می‌خوانند! یا ممکن است معلم دانش‌آموز را به خاطر رفتار ناپسندش از کلاس بیرون کند، او هم به حیاط مدرسه برود و بازی کند. پس او تقویت می‌شود و این نگرش در او به وجود می‌آید که برای بازی کردن باید رفتار ناپسند از خود نشان دهد.

۴. در غیاب عوامل تنبیه‌کننده، وقتی که عامل تنبیه‌کننده نباشد، ممکن است رفتارهای نامطلوب دوباره بروز کند. مثلاً به محض اینکه معلم از کلاس بیرون می‌رود، دانش‌آموز دیگری را کتک بزند، هنگامی که پلیس نباشد راننده‌ی خطای از چراغ قرمز رد شود. این افراد آموخته‌اند که در حضور عوامل تنبیه‌کننده این رفتارها را واپس بزنند. بنابراین اثر تنبیه دائمی نیست.

۵. گفته شده که تنبیه به ارگانسیم نشان می‌دهد که چه کار نکند، نه اینکه چه کار بکند. یعنی وقتی که فردی را تنبیه می‌کنیم به اومی‌گوییم، چه کاری را انجام ندهد، برعکس تقویت که با تشویق کردن به او

مى فهمانيم كه كارش را ادامه دهد ولى تنبيه به او نمى آموزد كه چه كارى را انجام دهد، فقط او را از كارش باز داشته ايم. پس نقش تعليمى و تربيتى تشويق را ندارد و مانند تشويق منجر به يادگيرى نمى شود.

۶. وقتى از تنبيه استفاده مى شود، خاطره ناخوشايندى را در ذهن ايجاد مى كند و ممكن است در موقع ديگر انتقام بگيرد. يا لاقبل كودك مى آموزد كه در بعضى موقعيت ها صدمه زدن به ديگران جايز است.
 ۷. تنبيه بدنى ممكن است باعث صدمه هاى جسمانى گردد. مثلا در برخى موارد معلمى كه دانش آموزى را كتک زده باعث ناشنوایى او شده است و عوارض نامطلوب ديگرى ممكن است به وجود بيايد.
 ۸. شخصى كه مرتب تنبيه مى شود احساس حقارت و خود كم بينى در او شكل مى گيرد و اين نگرش را كسب مى كند كه من به درد هيچ كارى نمى خورم. براى نمونه كودكى كه به سبب ريخت و پاش چيزها تنبيه مى شود، يك كودك گريه كن از آب در مى آيد. اگر اين تفكر به جود آيد، شخص حتى از استعدادى هم كه دارد، نمى تواند به نحو مطلوب به دليل احساس حقارتى كه به وجود آمده است استفاده نمايد. (اكبرى، پيشين)

امير مومنان على عليه السلام در مقايسه اى گرانبار بين تربيت انسان و حيوان چنين مى فرمايند: «ان العاقل يتعظ بالادب و البهائم لا يتعظ الا بالضرب. انسان عاقل به وسيله اى ادب تربيت و پندپذير است و تنها چهارپايان [و حيوانات] هستند كه جز با زدن اصلاح نمى شوند». تنبيه بدنى نه تنها ممكن است به تخريب شخصيت كودك بينجامد بلكه پيامدهاى ناگوارذيل از جمله آسيب هاى هولناك آن به شمار مى رود:

۱) تسليم شدن در برابر زور برتر. ۲) خرد شدن شخصيت و احساس عدم امنيت. ۳) از بين رفتن نشاط و سرزندگى ویژه اى كودكانه. ۴) پيدايش صفت هاى ناپسند مانند دروغ گويى و فرافكنى. ۵) از دست دادن انگيزه.

سخن غزالى نيز در اين زمينه آموزنده است كه خطاب به معلمان و مربيان كودك مى گويد: «بر معلم كودكان است كه آنان را به بيم و ترغيب تاديب نمايد نه به ضرب و تعذيب». (به نقل از اقليدى نژاد، دو عامل ارزنده در تربيتى سازنده)

۵- راهبردهاى تربيتى جايگزين تنبيه بدنى كودكان

هيچ چيز مانند تشويق صحيح و بجا و به اندازه، كودكان را به تلاش و درست كارى بر نمى انگيزد. زيرا فطرت اصلى آدمى عشق به كمال مطلق است و فطرت تبعى او انزجار از نقص. تشويق و قدردانى؛ اصلى و تنبيه و مجازات؛ تبعى است و فقط آن هنگام مجاز است كه چاره اى جز آن براى بيدارى و اصلاح و مداوا نباشد و تشويق موجب رضایت كودك از رفتار خود بوده و باعث پيدايش شور و

نشاط و رفع ملالت و کسالت او می‌گردد و هم چنین سبب ایجاد حس توانمندی در کودکان می‌گردد و تشویق و قدردانی از عملکرد کودک باعث می‌شود که آنان در انجام دادن وظایف خود بیش از پیش کوشا باشند و تشویق مانند تنبیه دارای آدابی بوده که اگر درست اعمال شود نتیجه بخش، مثبت و رشد دهنده خواهد بود که پاره‌ای از این آداب عبارتند از:

۱. تشویق به عمل و صفت نیک شخص تعلق گیرد. ۲. تشویق بجا و به مورد و متناسب با میزان و نوع عمل باشد و به تناسب روحیه ی کودک نیز شکل تشویق مثل زبانی، مالی، رفتاری و معنوی مشخص شود. ۳. تشویق باید به موقع انجام گیرد تا تاثیرگذاری لازم را داشته باشد. ۴. تشویق به اندازه بوده و از حد مجاز آن تجاوز ننماید، در غیر این صورت باعث غرور و تباهی کودک می‌شود. ۵. تشویق وسیله ی برانگیختن است، برعکس تنبیه که وسیله‌ای برای تحقیر شمردن کودک به حساب می‌آید به ویژه اگر در ملا عام مجازات گردد. ۶. هنگام تشویق کودک، باید علل تشویق را به وی یادآوری نمود. هم چنان که در تنبیه نیز علل بروز واکنش رفتاری والدین به نام تنبیه را به کودک یاد آوری می‌کردیم تا بار دیگر شاهد رفتار ناشایست مستوجب تنبیه بدنی وی نباشیم. (دلشاد تهرانی، پیشین، صص ۳۵۹-۳۵۰)

هم چنین در تبیین راهبردهای جایگزین تنبیه بدنی می‌توان به جای مجازات کودک به خاطر کار نادرست او، کار درست را به او یاد بدهیم و به جای زبان تهدید به کودک توضیح بدهیم. به این ترتیب که با یک توضیح مختصر، علت زشتی رفتار او را روشن کنیم تا در ذهنش دلیلی برای تغییر رفتار وجود داشته باشد و به جای تمرکز روی اشتباه یا رفتار نادرست کودک که والدین را برای هیجان و عکس‌العمل احساسی آماده می‌کند، از هر یک از موارد خطای فرزندان به عنوان موقعیت خوبی جهت راهنمایی کودکان و فراگیری استفاده نماییم و با اصطلاح‌ها و الفاظ مناسب و تشویق کننده به کودکان خویش انگیزه داده و در رفتار با کودکان، والدین باید رفتار انعطاف آمیز داشته باشند و از لجاج بازی و زور آزمایی با کودکان پرهیزند و در رابطه با مجازات و تنبیه بدنی کودکان این سه قاعده را به یاد داشته باشند:

۱) هنگام عصبانیت از تنبیه پرهیزید. ۲) برای تلافی کردن یا انتقام گرفتن، تنبیه نکنید. ۳) همیشه تنبیه شدیدتر، مجازات بهتر نیست. (بی‌نا، این والدین خشن، ص ۲۹)

از نظر روان شناسان، تنبیه و تشویق دو روش تربیت است که برای رعایت مقررات و حفظ انضباط کودکان به کار گرفته می‌شود. تشویق یا پاداش در مواردی به کار می‌رود که رفتاری دلخواه و مطلوب از مترربی سر بزند و بخواهیم آن رفتار تقویت و تکرار شود و به صورت عادت درآید. اما تنبیه در مواردی به کار می‌رود که رفتار مترربی ناپسند و بر خلاف موازین دینی و مقررات است و می‌خواهیم آن را تضعیف یا خاموش کنیم. (حسنی، پیشین)

آكادمى متخصصان اطفال آمريكا تنبيه جسمى كودك به هرعلت را رد مى كند و مى گويد اينكار در دراز مدت به عنوان يك راهكار تغييردهنده رفتار كودك تاثير بخش نيست. در عوض اين آكادمى از راهبردهاى مانند «تايم آوت» پشيبانى مى كند كه در آن هنگامى كه كودك رفتار نامناسبى انجام مى دهد، والدين او تنها مى گذارند تا در مورد رفتارش و عواقب آن فكر كند. (به نقل از بى نا، تاثير تنبيه بدنى بر پرخاشگرى كودك) به عبارت ديگر، اگر رفتار كودكمان غيرقابل كنترل به نظر مى رسد، در آن صورت ممكن است مناسب باشد كه او را از گروه يا فعاليتى كه باعث اختلال در رفتارش شده است جدا كرد و براى مدتى او را به حال خود گذاشت تا آرام بگيرد. (بى نا، ناهنجارى رفتارى كودكان، ص ۹)

در شيوه تربيتهى اسلام، تشويق ده برابر تنبيه است. چنان كه در روايات هم آمده است كه هر شخص در ماه، سه روز روزه بگيرد، گويا همهمى ماه را روزه گرفته است. زيرا هر روزش ده روز حساب مى شود. «عشر امثالها». تشويق چند برابر، ظلم نيست ولى كيفر بيش از حد ظلم است. «فلا يجزى الامثلها و هم لا يظلمون». تشويق و تنبيه، هر دو سازنده و تربيت كننده است. «بالحسنات والسينات لعلمهم يرجعون». تشويق بايد بيش از تنبيه و مجازات باشد.

در بيان تربيت اسلامى به اين نكته توجه شده است كه تا زمانى كه موعظه موثر باشد قهر و خشونت و تنبيه بدنى ممنوع است و تنبيه و كيفر از شئون ربوبيت است و جنبه تربيتهى دارد. «طائف من ربك» و «عذاب ربك». هم چنين خداوند متعال در سوره فتح آيه ۸، بشارت و هشدار، تشويق و تنبيه را دو نياز ضرورى كودك و كل جامعه بشرى براى رهايى و انتخاب راه آينده مى داند و لذا بخشش و تنبيه از شئون ربوبيت هستند. «ان ربك لذو مغفره و ذو عقاب اليم».

از ديگر نكات تربيت در اسلام، تعادل در تشويق و تنبيه مى باشد و تشويق و تنبيه در کنار هم باشند كه تشويق مستمر خاصيت خود را از دست مى دهد و در كنار تشويق نقاط ضعف را در جهت جبران به كودك يادآور شويم. مطابق با آيات و روايات هم تهديد، تنبيه و كيفر، يك سنت دائمى خداوند است و تشويق و تنبيه هر دو لازم دانسته شده است. (سوره روم، آيه ۴۴) از ديگر ابعاد تربيتهى اسلام كه مى توان جايگزين تنبيه كودكان نمود اين است كه كودكانى كه كار خوب انجام مى دهند تشويق شوند و كودكانى كه خطائى از آنان سر زده به فلسفه عدم تشويق خود پى ببرند. (سوره توبه، آيه ۸۱)

آموزه هاى دينى اجازه ي افراط و تفریط در مبحث تربيت را به والدين نمى دهد كه هر طرفش خسارت به كودك است كه يكي از عوارض آن به صورت تنبيه بدنى ظاهر مى شود. چون انسان در نتيجه ي شرايط خاص زندگى خویش داراى نقاط قوت و ضعف است. نقاط قوت كودك را بايد از همان ابتدا با تشويق هاى متنوع تقويت و نقاط ضعف را به سوى نقاط قوت مديريت كرد، نه اين كه با تنبيه بدنى انگيزه ي كارهاى مثبت را نيز در كودك از بين برد. در اين ميان، گاهى نيز به نظر مى رسد كه انگيزه ي

تنبیه بدنی کودکان، برای پذیراندن ارزش‌ها و معیارهای مطلوب در نزد خانواده به کودک می‌باشد. چون از روش‌های صحیح زود نتیجه نمی‌گیرند، اقدام به تنبیه و نهادینه کردن اجباری و ظاهری ارزش‌ها در کودکان می‌کنند که این خود قربانی کردن ارزش‌ها و معیارهای مطلوب در نزد کودک می‌باشد. پس این انگیزه و این چنین روش‌ها نیز درآموزه‌های دینی ما جایی ندارند. البته لازم به یادآوری است که زمان و نحوه‌ی استفاده از تمام روش‌های تربیتی تابع ابتکار، قوه‌ی تشخیص و شناخت والدین و مربیان از اوضاع محیطی و شرایط روحی و روانی کودکان است و والدین و مربیان باید در تشخیص روش درست به آن‌ها کمک کنند. (میثاقی نژاد، تنبیه بدنی و کودک)

نتیجه‌گیری و پیشنهادها:

با بررسی قوانین داخلی مشخص می‌شود که آموزه‌های فقهی درمقابله با تنبیه بدنی کودکان چندان مورد توجه مقنن داخلی واقع نگردیده و اگر آموزه‌های دینی مورد التفات قرار گرفته فقط در حد یک ماده در قانون مدنی و قانون مجازات اسلامی به کار رفته است. این در حالی است که برمبنای آموزه‌های فقهی، حساس‌ترین و مهم‌ترین دوران زندگی، دوره‌ی کودکی بوده و شخصیت آینده هر فردی در همین دوران پایه‌گذاری می‌شود و لذا والدین نقش بسزایی در تربیت و رشد کودکان خواهند داشت.

البته در اسناد بین‌المللی و قوانین ملی اکثر کشورهای متمدن و پیشرفته‌ی جهان تنبیه بدنی کودکان تقریباً ممنوع است و دردیدگاه متفکران غربی نظیر راسل نیز تنبیه بدنی صحیح نبوده و تربیت کودک بدون به کار بردن تنبیه بدنی توصیه شده است. براساس مبانی حقوق اسلام نیز تنبیه بدنی خطرناک‌ترین ابزار تربیتی کودکان بوده که حتی المقدور باید از آن اجتناب نمود. با این وجود اگر شیوه‌های دیگر تربیتی موثر نیفتد و چاره‌ای جز تنبیه بدنی کودک نباشد می‌توان به قدر ضرورت و تحت شرایطی از آن استفاده نمود.

به هر حال اسلام تنبیه بدنی را عنداللزوم نه تنها مفید می‌داند، بلکه بدان دستور هم داده است و آموزه‌های دینی نشان از توانمندی دین اسلام در مقابله با تنبیه بدنی کودکان داشته و آن‌چه که در روایات نیز بسیار سفارش شده است این که در صورت بروز خطا توسط کودک، گذشت و بخشش وی بهتر از تنبیه موثر خواهد بود. بنابراین از دیدگاه اسلام تنبیه بدنی یک روش تربیت اولی نیست تا در تمام حالت‌ها و موقعیت‌ها از آن استفاده کرد، بلکه از آن به عنوان یک شیوه‌ی تربیتی ثانوی می‌توان نام برد و تنبیه به عنوان آخرین راه درمان و اصلاح رفتار تلقی شده و چون هدف از تنبیه در واقع، اصلاح رفتار و تربیت کودک است. لذا به کارگیری و استفاده از این روش باید به گونه‌ای باشد که اصلاح‌کننده و موثر در تربیت کودک باشد و یا عامل بازدارنده باشد و اگر چنین نتیجه‌ای از تنبیه حاصل نشود نباید مورد استفاده قرار گیرد. چراکه کودک تنبیه شده به فردی شکست خورده و بدبین

كه قدرت روحى خود را از دست داده است تبديل مى شود و زمينه براى بزهكارى و انواع انحرافها در آينده براى وي به وجود مى آيد. از اين رو پيشنهاده مى گردد:

۱- در راستاى پيشگيرى از تنبيه بدنى كودكان توسط والدين ناشايست، مادهى ۱۱۷۹ قانون مدنى كه تنبيه كودك را حق والدين دانسته و بند ۵۹ قانون مجازات اسلامى از آن جرم زدائى نموده است به طريق مقتضى اصلاح شوند.

۲- با حذف مادهى ۷ از قانون حمايت از كودكان و نوجوانان ۱۳۸۱ و مجازات همهمى مرتكبان تنبيه بدنى كودكان كه در اغلب موارد متاسفانه خود والدين آن ها مى باشند، حداقل شاهدكودك آزارى قانونى نباشيم.

فهرست منابع:

- قرآن كريم.

۱- آهنگران، محمدرسول: محدوده مجاز تنبيه بدنى كودكان از منظر روايات اهل بيت، نشرية علوم حديث، ش ۳، س ۱۳۹۰.

۲- ابراهيمى، محمد: تنبيه بدنى كودكان، قابل دسترس در سايت:

www.pajoohe.com

۳- اسدى، ليلا سادات: كودكان بزهكار و بزه ديده در حقوق ايران، نشرية نداى صادق، ش ۳۰، س ۱۳۸۲.

۴- اقليدى نژاد، على: دو عامل ارزنده در تربيتى سازنده، مجله مبلغان، ش ۲۱، س ۱۳۸۰.

۵- اكبرى، مهنوش: نقش تنبيه در تربيت از ديده گاه اسلام، نشرية پيام زن، ش ۲۰۱، س ۱۳۸۷.

۶- امينى، ابراهيم: آئين تربيت، انتشارات اسلامى، قم، ۱۳۷۶، چاپ شانزدهم.

۷- يروانيان، امير وهمكاران: كودك آزارى؛ از علت شناسى تا پاسخ دهى، انتشارات خرسندى، تهران، ۱۳۸۹، چاپ اول.

۸- باوى، محمود: مشروعيت قانونى تنبيه كودكان، ماهنامه حقوق و اجتماع، ش ۲۰-۱۹، س ۱۳۷۹.

۹- بهشتى، احمد: اسلام و حقوق كودك؛ پژوهشى درباره حقوق طفل از ديده گاه اسلام و اعلاميه حقوق كودك، مركز انتشارات دارالتبليغ اسلامى، قم، ۱۳۵۴، چاپ دوم.

۱۰- بيگى، جمال: بزه ديده گى اطفال در حقوق ايران، نشرميزان، تهران، ۱۳۸۸، چاپ دوم.

۱۱- __، __: راهبردهاى حمايتى سازمان ملل متحد، ايران و اسلام در تامين امنيت بزه ديده گان و شهود قاچاق انسان، نشرية علمى و پژوهشى فقه و حقوق اسلامى دانشگاه تبريز، ش ۱، س ۱۳۸۹.

۱۲- بى نا: اين والدين خشن، ماهنامه آشنا، ش ۱۷۳، س ۱۳۹۰.

۱۳- بى نا: تاثير تنبيه بدنى بر پررخاشگرى كودك، قابل دسترس در سايت:

<http://hamshahrionline.ir/news-105149.aspx>

۱۴- بى نا: ناهنجارى رفتارى كودكان، قابل دسترس در سايت www.irpdf.com

۱۵- حبیبی، جواد: بررسی و تحلیل حقوقی و فقهی تنبیه دانش آموزان توسط معلمان، مجموعه مقالات همایش ملی حقوق مدارس، تدوین و تنظیم علیرضا داداش زاده و سید موسی حسینی، انتشارات چشمه سار قم، ۱۳۸۹، چاپ اول.

۱۶- حجتی، سیدمحمدباقر: شرایط و کارایی تنبیه در تربیت کودک و نوجوان، نشریه حوزه و دانشگاه، ش ۴۰، س ۱۳۸۳.

۱۷- حسینی، سیدجواد: تنبیه از منظر روایی، فقهی و روان شناسی، نشریه معرفت، ش ۳۳، س ۱۳۷۹.

۱۸- حسینی زاده، سید علی: تنبیه از دیدگاه اسلامی، مجله حوزه و دانشگاه، ش ۱۴، س ۱۳۷۷.

۱۹- حیدری نراقی، علی محمد: رساله حقوق امام سجاده (ع) شرح نراقی، انتشارات مهدی نراقی، قم، ۱۳۸۹، چاپ اول.

۲۰- داوودی، محمد: نشست علمی جایگاه تشویق و تنبیه کودک و نوجوان، نشریه افق حوزه، ش ۲۱۹، س ۱۳۸۷.

۲۱- دلشاد تهرانی، مصطفی: سیری در تربیت اسلامی، انتشارات دریا، تهران، ۱۳۸۲، چاپ پنجم.

۲۲- دیوید انجل، ویلیام: قانون بین المللی حقوق جوانان، ج ۲، ترجمه علی اکبر تاج مزینانی، رضا مفیدی و فرامرز ککولی دزفولی، نشر روناس، تهران، ۱۳۸۱، چاپ اول.

۲۳- رضایی، پرویز: تنبیه بدنی و مسئولیت های قانونی اولیاء و مربیان، روزنامه اطلاعات، ش ۲۰۵۸۸، س ۱۳۷۴.

۲۴- زینالی، امیرحمزه: ابعاد حقوقی و جرم شناسی حمایت از کودکان و نوجوانان در معرض خطر، انتشارات روزنامه رسمی، تهران، ۱۳۸۸، چاپ اول.

۲۵- شکر، رضا و قادر سیروس: قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، نشر مهاجر، تهران، ۱۳۸۵، چاپ پنجم.

۲۶- شمیم: تنبیه بدنی و سوء رفتار با کودکان، قابل دسترس در سایت:

<http://www.vista.ir/?view=context&id=8324>

۲۷- شهری، غلامرضا و سروش ستوده جهرمی: نظرهای اداره حقوقی قوه قضائیه در زمینه مسایل کیفری، ج ۱، روزنامه رسمی کشور، تهران، ۱۳۷۷، چاپ دوم.

۲۸- صفائی، سید حسین و اسدالله امامی: مختصر حقوق خانواده، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۹، چاپ یازدهم.

۲۹- صیدی، معصومه: در سوگ زندگی؛ بررسی پدیده کودک آزاری، نشر شیرازه، تهران، ۱۳۸۶، چاپ اول.

۳۰- طارمی، محمدحسین: جرم شناسی فقهی و حقوقی کودک آزاری، قابل دسترس در سایت www.ensani.ir

۳۱- طبسی، محمد جواد: حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت علیهم السلام، بوستان کتاب، قم، ۱۳۹۰، چاپ چهاردهم.

۳۲- عباچى، مریم: رهنمودهاى حقوق كیفى ماهوى در قبال كودكان بزه دیده، مجله حقوقى دادگستری، ش ۵۳-۵۲، س ۱۳۸۴.

۳۳- فهرستى، زهرا و گلرخ نظرى خاكشور: بررسى پدیده كودك آزارى از ابعاد حقوقى و ضرورت بازنگرى، فصلنامه تخصصى فقه و تاريخ تمدن، ش ۱۵، س ۱۳۸۷.

۳۴- قرائى، ثمانه: يك آيه و چند نکته؛ اذیت و آزار كودك از دیدگاه اسلام، نشریه بشارت، ش ۷۱، س ۱۳۸۸.

۳۵- قلیزاده كلان، فرض الله: تنبيه بدنى كودكان و راه حلهای جایگزین، قابل دسترس در سایت: <http://www.hawzah.net/fa/MagArt.html>

۳۶- کاتوزیان، ناصر: قانون مدنى در نظم حقوقى کنونى، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۵، چاپ سیزدهم.

۳۷- گروه سلامت سیمغ: آیا تنبيه بدنى كودكان موثراست؟، قابل دسترس در سایت:

www.seemorgh.com/health

۳۸- موذن زادگان، حسنعلی: سیر تحول قوانين كیفى حمایتى كودكان و نوجوانان در حقوق ایران، مجله حقوقى دادگستری، ش ۶۳-۶۲، س ۱۳۸۷.

۳۹- موسوى بجنوردى، سیدمحمد: كودك آزارى، فصل نامه علمى و پژوهشى حقوق و علوم سیاسى، ش ۳، س ۱۳۸۶.

۴۰- مهرا، نسرین: رویکرد جامعه شناختى - حقوقى به پدیده كودك آزارى، فصل نامه علمى و پژوهشى رفاه اجتماعى، ش ۳۵، س ۱۳۸۹.

۴۱- میثاقى نژاد، مدیر اعظم: تنبيه بدنى و كودك، قابل دسترس در سایت:

<http://www.avaxnet.com/showthread.php?tid=2431>

۴۲- نجفى ابرندآبادى، على حسین، على خالقى و امیرحمزه زینالى: حمایت كیفى از كودكان در برابر توریسم جنسى، از منع جهانى تا واکنش نظام هاى كیفى داخلى، مجله تحقیقات حقوقى، ش ۵۰، س ۱۳۸۸.

۴۳- وزیرى، مجید: حقوق متقابل كودك و ولى در اسلام و موارد تطبیقى آن، شركت چاپ و نشر بین الملل، تهران، ۱۳۸۷، چاپ دوم.

۴۴- یاریگرویش، محمد: تنبيه و كودك آزارى، نشر دانشگاه علوم پزشكى و خدمات بهداشتى و درمانى ایران، تهران، ۱۳۷۸، چاپ اول.

۴۵- یوسفیان ثانی، محبوبه: شیوه تنبيه، نشریه پیام زن، ش ۱۶۵، س ۱۳۸۴.

46-Report of the special Rapporteur of the Commission on Human Rights on the Question of Torture and other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or punishment, para.53 un Doc.A/ 57/ 173(2002).

47-www.hawze.net

48- www.noorsoft.org